

بررسی نقش اعتقاد به منجی در آخر الزمان و تاثیر آن بر وحدت امت اسلامی

حبیب الله کرد^۱، مطهره میری^۲، فاطمه سابقی^۳، فاطمه غلامی^۴

^۱دکتری مطالعات برنامه درسی، پردیس رسالت، دانشگاه فرهنگیان استان سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

^۲دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان رسالت زاهدان.

^۳دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان رسالت زاهدان.

^۴دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان رسالت زاهدان

چکیده

از زمان های قدیم، باور و اعتقاد به ظهور منجی، اصلی اساسی بوده است. این موضوع در اسلام و در قالب آیاتی چند از قرآن کریم (آیات ۵ سوره قصص، ۵۵ سوره نور، ۸۱ سوره اسراء، ۱۰۵ سوره انبیاء) و روایات متعدد، مورد تبیین و توجه قرار گرفته و او را وارث زمین و منجی عالم خوانده است. مهدویت، اتحاد و انسجام اسلامی و امت واحده اسلامی از مقوله هایی اند که ارتباط ویژه و خاصی با هم دارند. وحدت از مهم ترین نیازهای امروز بشر و از جمله سفارش های موکد قرآن کریم و پیشوایان معصوم (ع) است. بررسی های انجام شده حاکی از این است که وحدت اسلامی زمانی محقق می شود که افرادی با اهداف و آرمان های مشترک رویکرد واحدی اتخاذ کنند. در حقیقت، در دوره آخرالزمان هم مقوله انتظار منجی در فراهم شدن بسترهای لازم برای تشکیل امت واحده اسلامی تاثیر شگرفی دارد. در این تحقیق سعی بر این است که ظهور منجی و وحدت و امت واحده از منظر قرآن کریم و روایات بررسی شود و تا حدودی وجوه تشابه آنها و ارتباط عمیقشان به دست آید. مقاله حاضر، با روش تحلیلی و توصیفی و با هدف بررسی نقش اعتقاد به مهدویت در وحدت اسلامی را مورد کاوش قرار می دهد.

واژه های کلیدی: مهدویت، وحدت اسلامی، امت اسلامی، منجی، موعود باوری

مقدمه

عقیده به ظهور منجی و برجیده شدن بساط ظلم و ستم از میان انسان‌ها منحصر به دین و مذهب خاصی نیست بلکه اعتقادی جهانی است که چهره‌های مختلف آن در مذاهب و مکاتب گوناگون دیده می‌شود و همه بیانگر این حقیقت است که این اعتقاد کهن ریشه در فطرت انسان دارد. وجه اشتراک این باورها این است که نجات دهنده به همه خوبی‌ها توصیف شده است و از بدی‌ها و زشتی‌ها به دور است (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

«وحدت کلمه» به قدری مهم است که امام خمینی «ره» بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رکن اساسی بقای انقلاب اسلامی را اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه با انگیزه الهی می‌دانند.

طرح اندیشه «وحدت جهان اسلام» یکی از مشغولیت‌های فکری دیرینه و اساس حضرت امام «ره» بود، که او در دوران فعالیت اجتماعی - سیاسی خود چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن لحظه‌ای از آن غفلت نوزید، وفاداری صادقانه امام به «وحدت» نه تنها ایشان را به برجسته‌ترین شخصیت انقلابی جهان اسلام تبدیل نمود، بلکه حضرت امام راحل توانست در میان فرقه‌های اسلامی نیز جایگاه بس رفیعی، کسب نماید (محسن نسب، امیرنژاد، ۱۳۸۶).

دین مبین اسلام براساس جامعیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، خانواده و مذهبی برنامه و دستورالعمل‌های اجرایی و کاربردی داشته و دارد. نمونه برجسته آن نیز تشکیل حکومت اسلامی به وسیله پیامبر گرامی اسلام (صلی الله) به محض فراهم شدن شرایط بود. در هر صورت، لازمه اجرای بخشی عظیم از احکام اسلام، تشکیل حکومت اسلامی است که ضرورت آن در دوره حکومت حضرت مهدی (عج) دو چندان است. یکی از ابزار و لوازم تشکیل این حکومت الهی، ایجاد وحدت، هم دلی و هم زبانی بین مسلمانان در سراسر جهان است.

پیامبر خدا (صلی الله) برای پدید آمدن این وحدت و اوج‌گیری آن، دو بال را مطرح کردند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی». «قرآن و عترت، دو لنگر کشتی عظیم وحدتند که نجات بخش امت اسلام است. قرآن در میان مسلمانان شناخته شده است، اما عترت، یادگار پیامبر (صلی الله) برای دوره آخرالزمان، شخصیتی الهی است که پیامبر خدا (صلی الله)، نام، کنیه و اوصاف او را بیان کرده‌اند. وجود صدها حدیث در کتاب‌های معتبر فرقه‌های مختلف اسلام درباره حضرت مهدی (عج) بیانگر استمرار عترت در وجود شریف آن حضرت است، محوری که می‌تواند همه مسلمانان را در انتظاری مقدس، سازنده، آرمان‌ساز و جهت‌دهنده شکل دهد (جدید بناب، ۱۳۹۴).

در این زمینه تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. تحقیق حاضر نیز در ادامه تحقیقات گذشته با نگاه جدیدی به مسئله از جهت چیدمان پژوهشی و بیان بیشترین دیدگاه با رعایت مختصرگویی مطرح شده است (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

مهدویت چیست؟

اعتقاد به مهدی موعود مسئله‌ای است که در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از کلیت، مسیحیت، زرتشت، اسلام و غیره مطرح بوده و هست، بدین معنی که در آخر الزمان، منجی ظهور خواهد کرد و به جنایتها و خیانتها و تبعیضهای بشر خاتمه خواهد داد. آری «اعتقاد به مهدی» نه تنها یک باور اسلامی است، که عنوانی می‌باشد برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسانهای دردمند و ستمدیده، با کیش و مذاهب گوناگون و همچنین بازده الهام فطری مردم است و با همه اختلافاتی که در عقیده و مذهب دارند دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی و انسان موعودی خواهد بود که با ظهورش هدف نهایی ادیان الهی تحقق یافته و مسیر آن به دنبال رنجی بسیار،

همواری و استواری لازم را می یابد. بنابراین، مسئله مهدویت با سابقه ای دیرینه، ریشه در مذهب دارد (محسن نسب، امیرنژاد، ۱۳۸۶).

اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان (موعود) به جهت رهایی انسانها از دام ذلت و ستم یک عقیده عمومی و جهانی است و منحصر به آئین یا ملت خاصی نیست و از عهد باستان تاکنون این باور همچنان وجود داشته و دارد. جز اینکه بگوییم این اعتقاد کهن ریشه در فطرت و نهاد انسان دارد، چیز دیگری نمیتوان گفت (حبیبی نژاد، حیاتی، ۱۳۹۵). موعودگرایی از مفاهیمی است که در همه ادیان وجود داشته و از ابتدای تاریخ بشر، در ذهن مردم بوده است زیرا در ادیان آسمانی قبل از اسلام، مشاهده می شود که همگی از وقوع این حقیقت خبر داده اند و حتی صفات منجی و راهکارهای اصلاحی او را بیان کرده اند بنابراین مهدویت از آرمان های پایدار انسان در طول قرن ها و از مسلمات اعتقادی مشترک ادیان مختلف آسمانی بوده است، بدان دلیل که پیامبران گذشته در میان امت های خویش از اصلاح اساسی و اجرای عدالت همگانی سخن گفته و ظهور منجی را به پیروان خود وعده داده اند (علی اکبری، ۱۳۹۲). با مطالعه ادیان زرتشت، یهود، مسیحیت درمیابیم که ادیان مذکور، اعتقاد به موعود آخرالزمان را جزء ارکان اصلی اعتقادات خود قرار دادند و به یک باور جمعی به آن دست یافتند.

در باور زرتشتیان، سوشیانت (موعود آخرالزمان) با ظهورش مردگان را تکان خواهد داد و همه ی آدمها را جان تازه ای خواهد بخشید و در پایان تجدید حیات انجام خواهد گرفت و به قضاوت مینشیند و سرنوشت نیکان و شریران را رقم خواهد زد. جان ناس نیز بر این باور است که سوشیانت زرتشتیان یک شخصی حقیقی نبوده بلکه مفهومی است برای کلیه موعودهای آخرالزمان.

یهودیان نیز از زمانی که رومیان قدم به خاک یهود نهادند و با یهودیان با نهایت قساوت رفتار کردند انتظار ظهور مسیح در بین آنان تقویت گردید. در عقاید آئین یهود، مسیح یا منجی آخرالزمان با ظهورش دادگاهی برپا میکند و به قضاوت مینشیند و نیکان را از بدن جدا میسازد و بدان را به آتش دوزخ میافکند و نیکان در بهشت جاویدان آرام میگیرند. در اثر تماس یهودیان با مسیحیان، فکراعتقاد به منجی آخرالزمان از یهودیان به مسیحیان سرایت کرد.

فکر رجعت مسیح که اندیشه یهودی بود توسط پولس وارد دین مسیح شد. پس منجی آخرالزمان در عقاید مسیحیان چیزی جز رجعت عیسی مسیح نیست که با رجعت به عالم خاکی دنیا را از لوٹ وجود ناپاکان، پاک خواهد ساخت (حبیبی نژاد، حیاتی، ۱۳۹۵).

اندیشه موعود در اسلام

اسلام آخرین دین و بر پایه توحید بنا شده است. اندیشه موعود که در بحث مهدویت تجلی یافته بیش از هر دین دیگری از ظرفیت معرفتی و رفتاری بالایی در عرصه جهانی شدن برخوردار است. علاوه بر اینکه در قرآن کریم به ظهور منجی موعود اشاره دارد و بسیاری از مفسرین به تبیین این آیات پرداخته اند، روایات بسیاری در کتب روایی مسلمانان بخصوص شیعیان که از اعتقادات اصلی و مسلم این مذهب است، موجود است (محمدی، ذریه، ۱۴۰۰). در اسلام دو خاستگاه کلی در مورد منجی وجود دارد: یکی منجی گرایی در میان اهل سنت و دیگری منجی گرایی در میان شیعیان. البته مسلمانان با وجود مذاهب مختلف در انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) است که حکومت عدل واقعی را در آخرالزمان در سراسر جهان بنیان نهند (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹). اعتقاد به ظهور منجی به نام مهدی (ع) از اولاد پیامبر اکرم (صلی الله) مورد اتفاق همه فرقه های اسلامی است. قرآن و سنت، دو منبع اصلی اسلام، درباره حکومت واحد جهانی سخن فراوان دارند چنان که خداوند متعال می فرماید: ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون (انبیاء: ۱۰۵). در مورد این آیه، طبق روایت، «عباد صالح» همان

حضرت مهدی (عج) و اصحاب اویند. واژه «الارض» در آیه بدان معناست که همه زمین در قلمرو حکومت صالحان قرار میگیرد و این، همان حکومت امت واحد است که به عنوان یکی از کارکردهای مهدویت مورد بررسی است، چنان که در آیه دیگر آمده است:

«الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلاه و اتوا الزکاه « (حج: ۴۲).

حضرت باقر (ع) در تفسیر این آیه فرمود: این (مژده) برای آل محمد (ع) است. خدای تعالی حضرت مهدی (عج) و یارانش را در مشارق و مغارب زمین پادشاهی می دهد.

در آیه دیگر، غلبه جهانی حق طلبان با دین حق همراه شده است:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون « (توبه: ۳۳ وصف: ۹).

امام صادق (ع) می فرماید: به خدا سوگند، همانا که از آیین ها و دین ها اختلاف را برطرف می کند و دین همه اش یکی خواهد شد، همان گونه که او فرمود: همانا دین نزد خدا اسلام است و خدای تعالی باز فرمود: هرکس از دینی جز اسلام پیروی کند از او پذیرفته نمیشود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

آیه دیگر، علاوه بر تأیید حکومت جهانی، به برخی اهداف آن اشاره می کند:

« وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون... (نور: ۵۵). بر اساس روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر این آیه، معلوم می شود این آیه، به حکومت آخرالزمان مربوط است که هم جهانی است و هم به دست منجی موعود مهدی (عج) است: اگر بعد از این قائم ما برخیزد، هر که او را درک کند آنچه را از این آیه تأویل می شود، خواهد دید و دین محمد (صلی الله) به هر جا که شب به آن می رسد، یقیناً می رسد؛ به حدی که مشرکی بر پشت زمین نباشد؛ همان گونه که خدای تعالی فرموده است: مرا بپرستند و چیزی را با من شریک قرار ندهند (علی اکبری، ۱۳۹۲).

منجی در مذهب اهل تسنن

باور به منجی نزد بزرگان اهل سنت یکی از ضروریات دین مبین اسلام است و منکر آن از آیین اسلام بیرون است. عده ای از بزرگان اهل سنت، احادیثی در این زمینه آورده اند؛ از آن جمله ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، حاکم و طبرانی. بیشترین مباحث مهدویت از نظر اهل سنت، براساس منابع و اقوال محققین آن هاست.

در این باره علمای اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: « من کذب بالمهدی فقد کفر « هرکس مهدی (ع) را انکار کند به راستی کافر است. در جای دیگری از جابربن عبدالله انصاری روایت کرده اند که پیامبر اکرم (صلی الله) فرمودند: هر که ظهور مهدی (ع) را انکار کند به آنچه بر محمد (صلی الله) نازل شده گفتر ورزیده است. یکی از کهن ترین و معتبرترین مدرک حدیث اهل سنت کتاب مسند احمد بن حنبل است. در این کتاب مجموعاً ۱۳۶ حدیث درباره حضرت مهدی (عج) روایت شده است. پس از او محمدبن اسماعیل بخاری با همه تعصبی که نسبت به امامان اهل بیت (ع) داشته است در کتاب الاحکام احادیث دوازده جانشین پیغمبر (ع) را که همگی را از قریش خواهند بود و عزت و سربلندی اسلام به وجود آنها بستگی خواهد داشت را نقل کرده است. آنچه از مجموع منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت استفاده می شود این است که موضوع ظهور حضرت مهدی (ع) مورد اتفاق و اجماع آنهاست که این خود نشانه اهمیت موضوع مهدویت در نزدشان است. اعتقاد به منجی در میان مذاهب چهارگانه اهل تسنن هم که شامل حنفیان، مالکیان، شافعیان و حنبلیان است به وضوح قابل مشاهده است این اتفاق نظر به حدی است که تندروترین گروه های اهل سنت یعنی وهابیان نیز این موضوع را پذیرفته اند و از آن به طور جدی دفاع می کنند و آن را حق مسلم اسلامی می دانند (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

منجی در مذهب شیعه اثنی عشری

از نظر شیعه مسئله مهدویت و نوید ظهور آن منجی الهی یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام و ریشه داراست. پیشینه آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخص نبی اکرم (صلی الله) برمیگردد (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹). شیعه نیز معتقد است از نسل پیامبر اعظم (صلی الله) شخصی همانا ایشان ظهور و جهان را از عدل و داد پر می کند. همان طور که از ظلم و جور پر شده است و مهدی (ع) دوازدهمین وصی تعیین شده پیامبر (صلی الله) است که در سال ۲۵۵ ه. ق متولد شده، با شهادت پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری (ع) از سال ۲۶۰ ه. ق تاکنون مسءولیت سنگین هدایت علمی و معنوی امت اسلامی فیض رسانی و نور افشانی به جهانیان را - همچون خورشید پشت ابر برعهده داشته و دارد (علی اکبری، ۱۳۹۲).

شیعیان براساس روایات عقیده دارند که مهدی موعود (عج) سری از اسرار حق و رازی از رازهای نهفته خداوند است. ایشان آخرین برگزیده الهی است که پس از تولد از نظرها غایب شده است و بعد از مدت زمانی طولانی ظهور میکند و او حجه الله، خلیفه الله و بقیه الله است. مهدی موعود (عج) از نسل پاک پیامبر خدا (صلی الله) و از علی (ع) و زهرا (س) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین (ع) است.

ایشان فرزند بلافصل امام حسن عسکری (ع) است. شیعیان دوازده امامی معتقدند که حضرت مهدی (عج) همانا وهم کنیه پیامبر (صلی الله) است، هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اذن ظهورش دهد، قیام میکند و زمین را پر از عدل و داد می کند. از دیگر باورهای شیعیان این است که با ظهور مهدی موعود (عج) هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند بلکه همه حکومت های مقتدر زمان یکی پس از دیگری از بین می روند، مرزهای جغرافیایی بین کشورها برداشته می شود، مظاهر شرک، کفر، الحاد و بی عدالتی از بین می رود، عدالت اجتماعی به وجود می آید، هر حقی به صاحب حقش می رسد، همه در رفاه و آسایش زندگی می کنند و در سرتاسر جهان هستی، تنها یک نظام حکومت می کند که آن هم نظام عادلانه اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

منجی در فرقه های شیعه

زیدیه از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسین بن علی (ع) هستند. ایشان به روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله) تمسک کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان امام حسین (ع) است و او با شمشیر به پا می خیزد و مادرش بهترین کنیزان خواهد بود.» پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب (ع) قیام خود را علیه امویان آغاز کرد، گفتند چون او از نسل امام حسین (ع) است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیراست، پس او مهدی موعود (عج) است.

منجی در صوفیه

صوفی ها فرقه ای از شیعیان هستند. متقدمین در صوفیه بحثی در مورد منجی نداشته اند بلکه در مورد ریاضت، و مجاهده و... صحبت می کردند و بعد از مدتی عقیده به امام معصوم پیدا کردند بحث مهدویت به صورت موضوعی مستقل، چندان در آثار صوفیه مطرح نشده است. این آموزه در تصوف را باید ذیل بحث ولایت و ختم ولایت جست و جو کرد. در آثار مکتوب عرفانی قرون نخستین تصوف یعنی، قرن دوم تا پنجم هجری اصطلاحاتی مانند قائم، موعود، منجی، حجت مصلح و... زیر سایه بحث ختم ولایت معنا می یابد. حکیم ترمذی نخستین صوفی است که با نگارش کتاب ختم الولایه در دوران غیبت صغری درباره ختم ولایت سخن گفته است بنابراین، میتوان گفت که صوفیان معاصر بیشتر به ظهور مردی که احکام ملت و رسوم حق و

عدالت را تازه کند، اشاره می‌کنند و ظهور او را نزدیک می‌دانند. بعضی از آنها می‌گویند او از اولاد فاطمه (س) است و بعضی مطلق تعبیر می‌کنند.

منجی در اسماعیلیه

در ذکر منجی در اسماعیلیه هم در کتاب شیخ صدوق آمده است: «طایفه اسماعیلیه هم از طوایف شیعه پدید آمد و منتظر آمدن امامی هستند که موت او قطعی است.»

منجی در کیسانیه

فرقه کیسانیه یکی از فرقه‌های تشیع خالی از ذکر و باور به منجی نبوده است. شیخ صدوق در این باب هم در کتاب نفیس خود می‌گوید: «کیسانیه نیز شاخه‌ای از شاخه‌های شیعه است که محمدبن حنیفه را امام غائب می‌دانند و منتظر ظهور او هستند.»

منجی در واقفیه

شیخ صدوق با ذکر فرقه واقفیه به عنوان فرقه‌ای از فرقه‌های شیعه در باور ایشان به وجود منجی فرمود: «واقفیه هم باز شاخه دیگری از شیعه هستند و بر امام جعفر صادق (ع) یا امام موسی کاظم (ع) معتقدند و آنها را امام غائب موعود می‌دانند و منتظر ظهور آنها هستند.» باور به منجی در فرق شیعه باور به حقیقتی است که در آینده زمین ظهور خواهد کرد، اما آنچه ذکر شد در ادیان ابراهیمی بود (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹)

باور به منجی در ادیان غیر ابراهیمی

۱- هندوئیسم

در لابه لای کتبی که از روزگار گذشته در میان هندوها به عنوان کتاب آسمانی شناخته شده است نویدهای بسیاری پیرامون منجی آسمانی با صراحت و شفافیت کامل دیده می‌شود. در کتاب ماللهند از کتابهای مقدس هندوها آمده است: «در اواخر دوره چهارم، اهل زمین به فساد کشیده شده و اکثر آنها کافر می‌شوند. آنان معصیت‌های بزرگ را انجام داده و حاکم آنها افراد پست خواهد بود. مردم در آن روز به گرگ‌ها شبیه هستند که همدیگر را می‌درند و غارت می‌کنند. کاهنان و مردان دین فاسد می‌شوند و حق با دزدان می‌شود و افراد باتقوا و زاهد را تحقیر می‌کنند. در آن زمان، برهمن کلا یعنی، مردی شجاع و دیندار ظهور می‌کند و زمین را با شمشیر برنده اش از مفسدین و پلییدی‌ها پاک کرده و افراد پاک و طاهر را حفظ خواهد کرد»

۲- برهما

در آیین‌های بودا نیز مانند دیگر ادیان و آیین‌ها سخن از نجات دهنده و موعود آمده است. مؤسس آیین بودا شخصی به نام سدهار تاجوتوما معروف به بوداست. او در نپال متولد شد و بودایی‌ها او را فرزند خدا می‌دانند و معتقدند که در آخرالزمان یک بودی ظهور می‌کند و بشریت را از ظلم و ستم و گرفتاری‌ها نجات خواهد داد. آنان می‌گویند

بودا با کامل کردن وظیفه خود با جسدش به آسمان رفته است و بار دیگر به زمین بازمی‌گردد تا صلح و برکت را به مردم بازگرداند (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

منجی در مکاتب دیگر

علاوه بر آنچه پیرامون موعود در ادیان و مذاهب و فرق آن بیان شد، میتوان به اقوام و مکاتب مختلف جهان نیز مراجعه کرد که هر کدام معتقد به منجی و موعود هستند. از جمله این اقوام میتوان به ایرانیان باستان، نژاد اسلاو، نژاد ژرمن، اهالی صربستان، برهمنیان، ساکنان جزایر انگلستان، ملل مختلف هند، آسن ها، شلت ها، اقوام اسکانندیانوی، یونانیان، اقوام اروپای مرکزی، چینی ها، اقوام آمریکای مرکزی، گروه‌هایی از مصر باستان و قبای ای پوور و... اشاره کرد. آنچه از ادیان و مذاهب گوناگون نقل شد فقط برای اثبات این نکته است که تمام ملل و اقوام دنیا به نوعی منتظر موعودی هستند و همه از یک حقیقت مسلم حکایت می‌کنند، اینکه بشارت منجی جهانی به گوش آنها رسیده است و عقیده به ظهور منجی در آخرالزمان در اعماق وجودشان جای گرفته است.

البته ممکن است آنچه در کتاب‌ها ذکر شده است درباره تمام بشارت‌ها و نویدها برای تطبیق دادن امری مشکل باشد؛ زیرا هر یک برای خود استدلال‌ها و براهینی خاص به خود را اقامه کرده اند، ولی با این وجود در خلال بررسی به خوبی مشخص می‌شود که بسیاری از این بشارت‌ها و نویدها با آنچه در اسلام آمده است، مطابق است. بنابراین، نیک است هر چند مختصر به نقاط اشتراک و افتراق منجی در ادیان و اقوام مختلف اشاره شود (حسینی، موسوی، ۱۳۹۹).

آیا پیامبر اکرم (صلی الله) و امامان معصوم (ع) از مهدی موعود (عج) خبر داده اند؟ باید گفت که از ناحیه مقدس پیغمبر اکرم (صلی الله) و امامان معصوم علیهم السلام، روایات با سندهای معتبر راجع به وجود حضرت مهدی (عج) و ظهور آن موعود جهانی وارد شده است که جای هیچگونه شک و تردید را برای طالبان حقیقت باقی نمی‌گذارد و ما در اینجا نمونه‌هایی را از آن بزرگواران نقل می‌کنیم:

رسول اکرم (صلی الله) فرموده است: «مهدی از فرزندان من است، اسم او، اسم من (محمد) و کنیه اش کنیه من (ابوالقاسم) است، از نظر اخلاق و خلقت شبیه ترین مردم به من است برای او غیبت و حیرتی است که در آن مردم بسیار گمراه می‌شوند، آن گاه مثل «شهاب ثاقب» می‌آید و زمین را پس از عدل و داد خواهد کرد همچنان که پر از ظلم ستم شده بود.

امیرالمومنین (ع) فرموده است: «قائم ما غیبت طولانی خواهد داشت، شیعیان را چنان می‌بینم که برای پیدا کردن دشت و دمن را زیر پا گذارده ولی او را پیدا نکنند. بدانید آنها که در غیبت وی در دین خویش ثابت بمانند و در طول مدت غیبتش منکر وی نشوند، روز قیامت با من خواهند بود. آنگاه فرمود: چون قائم ما ظهور کند، بیعت هیچ کس در گردن وی نمی‌باشد. از این رو ولادتش پوشیده خواهد ماند و خودش از نظرها پنهان می‌شود.»

جابر بن عبدالله خدمت حضرت فاطمه زهرا (س) شرفیاب شد، در حالیکه در مقابل حضرت لوحی بود که در آن لوح اسامی اوصیا نوشته شده بود. جابر بن عبدالله می‌گوید: من شمردم دوازده نام دیدم که آخر آن اسمها «قائم» بود و سه نام محمد و چهار نام آنها علی بود.

امام حسن (ع) می‌فرماید: «مگر نمی‌دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز اینکه بیعت با سلطان و گردنکش زمانش را به گردن دارد) یعنی حقشان که امامت و خلافت باشد، ظالمانه و غاصبانه پایمال می‌شود (جز آن قائمی که عیسی بن مریم پشت سرش به نماز ایستد و خداوند متعال تولدش را مخفی و وجودش را غایب فرماید، تا هنگام خروج بیعت

هیچ کس در گردنش نباشد و او نهمین فرزند بردارم حسین (ع) و فرزند مهتر زنان است خداوند عمرش را در غیبتش طولانی کند، سپس او را به قدرت خود در صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر کند تا بدانند خدا بر هر چیز قادر و تواناست. «

امام حسین (ع) فرموده است: « در نهمین فرزند من، سنتی از یوسف (ع) و سنتی از موسی (ع) است و او مقام اهل بیت است که خداوند امر او را در یک شب اصلاح می فرماید.»

امام سجاد (ع) فرموده است: « در قائم ما چند سنت از سنتهای انبیا هست از آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب و محمد) ص (اما از آدم و نوح، طول عمر است و اما از ابراهیم ولادت پنهانی است و اما از موسی خدا ترس و در غیبت است و اما از عیسی اختلاف آرای مردم پس از اوست. (چنانکه پس از بالا رفتن آن حضرت بعضی گفتند مرد و بعضی گفتند به دار آویخته شد و...) و اما از ایوب گشایش و فرج بعد از امتحان است و اما از محمد (صلی الله) خروج با شمشیر است.»

امام باقر (ع) فرموده است: « در هنگامی که اوضاع روزگار دگرگون شود و مردم گویند: قائم مرده یا هلاک شده یا بگویند: به کدام بیابان رفته است و آنها که خواستار نابودی او می باشند بگویند: کسی که استخوانهایش پوسیده شده چگونه ظهور می کند؟! « شما به ظهور او امیدوار باشد و چون بشنوید که ظهور نموده است به سوی او بشتابید ولو با خزیدن از روی برف باشد. «

امام صادق (ع) فرموده است: « روش غیبتی که در پیغمبران بود، طاق النعل بالنعل (با همه خصوصیاتش) درباره قائم ما اهل بیت جاری شود... و او همچنین فرزند پسر موسی است او پسر خاتون کنیزان است، غیبتی کند که اهل باطل در آن به شک افتند، سپس خداوند او را ظاهر نماید و شرق و غرب زمین را به دست وی فتح کند.

عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گذارد و زمین به نور صاحبش روشن آنجا پرستش خدا شود و دین همه خاص خدا شود گرچه مشرکان نپسندند.»

امام کاظم (ع) فرموده است: « آن قائمی که زمین را از دشمنان خدا پاک، و از عدل و داد پر نماید چنانکه از ظلم پر شده بود او پنجمین فرزند من است او را غیبتی طولانی است چون بر جان خود خائف است و در آن (عصر غیبت) گروه هایی از دین برگردند و جمعی پایدار مانند، خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم به ولایت ما چنگ زدند و به دوستی ما و بیزاری از دشمنانمان ثابت بمانند آنان از ما آیند و ما نیز از آنهاستیم، ایشان به امامت ما راضی اند و ما به تشیع آنها پس خوشا به حال آنها، به خدا سوگند که آنان در روز قیامت در درجه ماو با ما هستند. «

امام رضا (ع) فرموده است: « قائم ما کسی است که چون خروج کند، در سن پیران و سیمای جوانان است و به قدری نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی زمین دست دراز کند آن را از بیخ برکند و اگر میان کوهها فریاد زند، سنگها پاشیده شوند عصای موسی و انگشتر سلیمان را به همراه دارد. او چهارمین فرزند من است، خداوند هر چه خواهد او را در حجاب و پرده خود غایب کند سپس ظاهرش نماید و زمین را به دست او از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.»

امام جواد (ع) فرموده است: « قائم ما همان مهدی (عج) است. او کسی است که در زمان غیبتش واجب است انتظار کشیده شود و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش کنند و او سومین نفر از فرزندان من است. قسم به آن خدایی که محمد (صلی الله) را مبعوث به نبوت فرمود و ما را امامت انتخاب نمود، اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند

آن روز را چنان طولانی گرداند تا اینکه قائم ما در آن روز خارج شده و ظهور نماید. پس با ظهورش زمین را از عدل و داد پرکند، چنانکه تا آن زمان پر از ظلم و ستم بود».

امام حسن عسکری (ع) فرموده است: « شما مردم را چنان می بینیم که بعد از من درباره جانشینم اختلاف پیدا می کنید. آگاه باشید! کسی که معتقد به امامت امامان بعد از پیغمبر باشد، ولی فرزند مرا انکار کند مانند آن است که تمام پیغمبران را باور دارد ولی نبوت پیغمبر خاتم (صلی الله) را منکر شود. در صورتیکه هرکس منکر رسول خدا (صلی الله) باشد، در واقع همه پیغمبران را انکار نموده است. زیرا اطاعت آخرین نفر ما مانند اطاعت اولین آنها است و هرکس که منکر اولین معصوم ما شود، آخرین نفر ما را انکار نموده است» (محسن نسب، امیرنژاد، ۱۳۸۶).

زندگی بشری در فراز و نشیب خویش، با آسیب ها، مشکلات، ناهنجاری ها و ناامنی هایی روبه روست. از این رو، دغدغه بیشتر افرادی است که زندگی را منحصر به همین دنیای مادی نمی دانند. در همین جهت، افرادی که با تعالیم آسمانی و وحی مرتبط می شوند، خود را به ساحل نجات می رسانند و به آرامش دست می یابند. مقوله موعود باوری یکی از راهکارهایی است که امروزه در حل این مشکل بسیار کارساز است و پاسخگوی نگرانی مسلمانان درباره تفرقه، نفاق و از هم گسیختگی است (جدیدبناب، ۱۳۹۴).

مفهوم مذهبی موعود باوری، امید به آینده است آینده ای که در آن، مردم جهان، از زور و فشار و استبداد و تسلط نظام های غلط نجات یابند و رژیم های ضد انسانی از میان بروند و زندگی پر فراز و نشیب انسان ها، سرشار از صلح و امنیت شود و حق پرستان، پیروز و باطل گرایان نابود شوند.

آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم کلمه موعود باوری استفاده می شود، این است که موعود باوری، در همه جنبه های زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و پیشرفت، بیداری و حرکت و از عقاید انقلاب آفرین و ریشه اصلی قیام جهانی حضرت مهدی (عج) است (جدیدبناب، ۱۳۹۴).

تعاریف و مفاهیم وحدت

وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است و در اصطلاح یعنی ملت و امت اسلام باید هماهنگ، یکنواخت و همصدا باشند. انسجام نیز به معنای روان شدن اشک و جز آن، روانی در کلام، هماهنگی و همواری آمده است. اتحاد و وحدت ملی مقوله های است که بیشتر جنبه داخلی دارد و در چهارچوب مرزهای کشور معنا می یابد و اصطلاحات دیگری همچون؛ وفاق ملی، همبستگی ملی و وحدت، تا حدودی به این مفهوم شبیه می باشد و در اصطلاح یعنی برنامه ای برای رسیدن به اهداف عالی و بلندمدت که از اندیشه طرف نشأت گرفته باشد؛ در مقابل تاکتیک که برای گذار از مرحله ای مطرح می شود. اتحاد میان مسلمانان به معنی نزدیک شدن فرقه های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنها است و این به معنی تحفظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود آن است و راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصبات غیرقابل کنترل است (ابوترابی، ۱۳۹۷).

مفهوم امت واحده

امت در لغت به «مجموع پیروان یک دین و پیغمبر» گفته می شود. امت اسلام مجموع پیروان یک دین و پیغمبر. امت مرحوم: پیروان دینی که با آنان با مهربانی رفتار می شود مسلمانان امت واحده: امت متحد و یتهارچه (جدید بناب، ۱۳۹۴).

انسجام امت اسلامی آثار و برکات بسیاری به دنبال دارد؛ از جمله رسیدن به آرامش و آسایش (۶۵: انعام و ۱۰۳: آل عمران)، برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران (۴: قصص) و افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان (انفال: ۴۶). از این رو، بر مسلمانان لازم است بر اصول دین اسلام تأکید ورزند و به ریسمان الهی (قرآن و پیامبر) چنگ زنند و از آن دور نشوند (نساء: ۵۹)، برادری را رعایت کنند، عیب یکدیگر نجویند و در حق یکدیگرگمان باطل نبرند (۱۲-۱۱: حجرات) و نیز امر به معروف کنند و از کار زشت و ناهنجار پرهیز کرده و دیگران را نیز از آن‌ها بازدارند (۱۰۴: آل عمران).

اندیشمندان مسلمان، برای وحدت انواعی بر می‌شمرند؛ از آن جمله «وحدت مطلق، وحدت مصلحتی و وحدت معقول». وحدت مطلق عبارت است از اتفاق نظر در همه عقاید و معارف و احکام اسلامی با همه اصول و فروع آن‌ها. این گونه وحدت با نظر به آزادی اندیشه و تعقل در خصوصیات و کیفیات و انتخاب دلایل در عناصر و اجزای اصلی عقاید و احکام دین اسلام، به قدری بعید است که میتوان گفت امکان پذیر نیست.

وحدت مصلحتی: از جبر عوامل خارج از حقیقت و متن دین پیش می‌آید و در مواقعی لازم می‌آید که آن عوامل، جوامع اسلامی را در خطر اختلال قرار داده اند توقع این که وحدت مصلحتی عارضی بتواند فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را از هماهنگی و اتحاد همیشگی و معقول برخوردار سازد، انتظاری نابجاست.

وحدت معقول: وحدت مطلوب میان امت اسلامی است که عبارت است از قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و برکنار کردن عقاید شخصی و فرهنگی محلی و خصوصیات آرا و نظریات متعلق به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. تحقق این نوع وحدت، هیچ مانع شرعی و عقلی ندارد. هر متفکر آگاه از منابع اولیه اسلام و طرز تفکر امامان معصوم (ع)؛ صحابه و تابعان آنان، می‌داند که پیروی از متن کلی دین، با تکاپو و اجتهاد برای فهم خصوصیات و کیفیت انتخاب دلایل، امری ضروری است. از این رو، از منظر پیامبر اسلام (صلی الله جامعه مؤمنان به مثابه پیکری می‌ماند که افرادش، اعضای آن به شمار می‌آید (علی اکبری، ۱۳۹۲).

وحدت و امت واحده در قرآن کریم

دین مبین اسلام به مقوله وحدت، اتحاد و انسجام تأکید ویژه ای دارد و امت اسلامی را به همدلی، صمیمیت و متحد بودن تشویق و از تفرقه و نفاق نهی می‌کند و امت اسلامی را به منزله امت واحده معرفی می‌فرماید: «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» (انبیاء: ۲۲).

بدون تردید، وحدت و هم دلی از اصولی ترین آموزه های مترقی و بلند قرآن مجید است. گواه این مدعا، ده ها آیه قرآن است که مسلمانان و جهانیان را به گرد آمدن بر محور حقیقت و ترک جدال و تفرقه دعوت می‌کند و به همین نسبت، آیاتی است که از تفرقه و اختلاف، نهی می‌کند و آن را مطرود می‌شمارد. زمانی که خداوند اصولی ترین دعوت پیامبران الهی را مطرح می‌سازد، موضوع پرهیز «از تفرقه» را پیامی هم سنگ با اصل برقراری دین می‌شمارد. خداوند می‌فرماید:

«شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه» (شورا: ۱۳) برای شما از دین همانی را مقرر کرد که نوح را بدان سفارش کرده بود و نیز آنچه به تو وحی کردیم و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم که دین را به پا دارید و در آن پراکندگی و اختلاف نکنید. در این آیه، دو پیام اساسی به عنوان عصاره دعوت همه پیامبران بزرگ خداوند اعلام شده است:

۱. برپا کردن دین خداوند

۲. پرهیز از تفرقه و اختلاف (جدیدبناب، ۱۳۹۴)

شکل گیری امت واحده در صدر اسلام، دلیلی بر اثبات ادعای تحقق جامعه جهانی مهدوی از دیدگاه اسلام، فلسفه آفرینش دستیابی به کمال است. رسیدن به کمال نیز تنها در پرتو تبعیت از امام معصوم که انسان کاملی است، محقق می شود. در نظام ولایت الهی، امام و امت دو اصل اساسی به شمار می روند و دستیابی به کمال در گرو همکاری و همدلی امت با امامت است. نظام امامت و امت، در تاریخ مسلمانان بی سابقه نیست زیرا نظام اسلامی که پیامبر بنا نهاد، مصداق عینی آن به شمار میرفت. تشکیل حکومت اسلامی به وسیله نبی اکرم (صلی الله) در مدینه، سرآغاز حرکتی تازه برای شکلگیری حکومت بزرگ اسلامی یعنی نظام جهانی اسلام شد.

به بیان دیگر، پیامبر اسلام (صلی الله) پس از سیزده سال تبلیغ مخفی و آشکار اسلام، با توطئه سران قریش مبنی بر قتل خویش روبه رو شد و به ناچار در سال چهاردهم بعثت (۶۲۲ میلادی) از مکه به یثرب (مدینه) هجرت و در آن سال، حکومت اسلامی را بنیان نهاد. پیامبر اسلام با عقد پیمان اخوت بین مسلمانان (انصار و مهاجر)، بنیان مسجد به عنوان پایگاهی عبادی-سیاسی، بستن پیمان با یهودیان (منشور مدینه)، ایجاد ساختار سیاسی و اجتماعی و تشکیل هسته های رزمی (ارتش) و سپس اعزام مبلغان قرآن و آموزه های اسلامی به سراسر شبه جزیره، حکومتی را بنا نهاد که در عدالت و امنیت بی سابقه بود.

پیامبر اسلام در سیاست داخلی، حکومتی را پدید آورد که در آن، شرک در جزیره العرب ریشه کن شد، پرچم توحیدی در کعبه به اهتزاز در آمد، اسلام در جزیره العرب گسترش یافت و به بسط عدل و عدالت پرداخت. پیامبر اسلام سیاست خارجی را نیز بر پایه این دو اصل استوار ساخت:

۱. دعوت: پیامبر اسلام (صلی الله) از سال ششم هجرت، سفیرانی را به سوی حاکمان بزرگ جهان، همچون امپراتور روم شرقی، کسرا، شاهنشاه ایران، نجاشی، پادشاه حبشه، مقوقس، والی مصر، امیر یمامه و امیر غسان فرستاد و آنان را به دین خدا و تن دادن به نظامی عادلانه فراخواند.

۲. جهاد: رسول اکرم با امرانی که دعوت اسلام را رد کردند و با آن به عداوت پرداختند، به مجادله و مجاهده پرداخت. برای مثال، سه بار به روم شرقی لشکر کشید. لشکر سه هزار نفری مسلمانان در سال هشتم هجری برای نبرد با امپراتوری روم شرقی به مدینه فرستاده شد، ولی بدون پیروزی بازگشت. بار دیگر، پیامبر اسلام در سال نهم هجری با ده هزار سرباز به تبوک رفت که به عقب نشینی لشکر روم انجامید. سرانجام پیامبر در واپسین دوره عمر مبارکش، لشکری را به فرماندهی اسامه بن زید، تجهیز و دستور حرکت آن را به مناطق مرزی روم شرقی، صادر کرد. بنابراین، نظام جهانی پیامبر اکرم نخست بر پایه دعوت و در مرحله بعد، چنان که با نبرد مسلحانه دعوت شدگان روبه رو میشد، به جهاد بر ضد آنان میپرداخت.

«امت» به گروهی گفته می شود که مقصد و جهت واحدی دارند و رشته ای میان آنها وجود دارد که افراد را به هم پیوند می دهد. از این رو، این کلمه در قرآن برای پرندگان هم به کار رفته است. خداوند، از پرندگان سخن گفته و آنها را در امت بودن، مشابه انسان دانسته است. با این وصف، انسان هایی که در جهتی خاص با هم تشریک مساعی میکنند، امت واحدی را تشکیل میدهند و این ناظر به واقعیتی بیرونی است. قرآن کریم در دو جا تأکید میکند که «امت شما، امت واحد است»: یکی، در سوره مؤمنون و دیگری، در سوره انبیا. یک احتمال این است که مقصود این باشد که امت اسلامی، امت واحد است و دینی یکتا دارد و احتمال دیگر، این است که پیامبران الهی و پیروان آنها همگی امتی واحدند و دینی واحد دارند. پیام قابل شرح این آیات آن است که توحید، اساس وحدت ادیان راستین الهی است و اختلافات، از سوی مردم و پیروان ادیان است، نه از سوی دین و پیامبران. از این رو، احزاب از نظر قرآن، با احزاب در جهان سیاست، مفهومی متفاوت دارد (جدیدبناب، ۱۳۹۴).

امروزه با توجه به دغدغه‌ها و چالش‌های ملی و فرا ملی پیش روی کشورمان در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی «انسجام اسلامی» در درون و در سطح ملی و بین‌المللی از نیازهای راهبردی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. در این وضعیت ضروری می‌نماید که گروه‌های قومی و مذهبی با هوشیاری و با حفظ انسجام و اتحاد به دفع فتنه‌ها بپردازند. در کشور مسلمان ایران نیز لازم است افراد در عین انسجام دینی، اتحاد ملی خویش را نیز حفظ نمایند. اهمیت انسجام، وفاق و اتحاد برای یک نظام اجتماعی را می‌توان به پارو زنان یک کشتی یا قایق بزرگ تشبیه و تشریح کرد. اگر پاروزنان همه درک کرده باشند که تنها راه نجات آنها حفظ کشتی از غرق شدن و کوشش در جهت رسیدن به هدف باشد و ناخدا نیز با تدبیر و جملات عاقلانه، آنها را به پارو زدن هماهنگ و همزمان در یک مسیر وادارد، در آن صورت کشتی می‌تواند به هدف برسد.

در جامعه نیز نیروها و گروه‌ها اگر در مسیر نفع جمعی عمل کنند، علاوه بر اینکه تک‌تک انسانها به هدف خود می‌رسند، جامعه نیز رو به تکاملی می‌رود. شرط این حرکت جمعی آنهاست که (به قول پارسونز) نفع فردی و نفع جمعی اعضا جامعه در یک مسیر و یک جهت قرار داشته باشد در غیر این صورت جامعه بیشتر بر ضد یکدیگر عمل خواهد نمود.

شاید در نگاه اول انسجام و اتحاد مترادف جلوه نمایند، اما با کمی دقت می‌توان دریافت که تفاوت‌های ظریفی بین این دو مفهوم وجود دارد. انسجام به هم بستگی عناصر متفاوت در عین حفظ ویژگی‌های خاص خویش اشاره دارد و اتحاد به یکی شدن و هم‌رنگی. اینکه اتحاد را برای مقوله ملیت به کار رود متفاوت از کاربرد مفهوم انسجام برای امت است و اصولاً بین ملت و امت تفاوت‌های اساسی وجود دارد. هر چند در جهان امروز ملت‌های مجازی بدون سرزمین پدید آمده ولی به طور خاص هر ملتی دارای سرزمین جغرافیایی مشخص و دولت مشخص است، اما در مورد امت نمی‌توان این موارد را مشاهده نمود و عموماً امت فراتر از ملت و گاه شامل چند ملیت و کشور است و به ایدئولوژی‌های فکری و فرهنگی متکی است. با ایجاد اتحاد ملی در میان تمامی جناح‌ها و گروه‌های کشور به راحتی می‌توان بر تمامی توطئه‌های دشمنان نظام اسلامی خط بطلان کشید و همچنین با انسجام اسلامی و تعامل با سایر مسلمانان جهان به اتحاد یکپارچه و صفوفی به هم پیوسته رسید (یوسفوند، حمیدیان، ۱۳۸۶).

مفهوم انسجام اسلامی

در هر نظام اجتماعی یک مسئله‌ای وجود دارد و آن انسجام اجتماعی است. جامعه از انسانها تشکیل می‌شود و انسانها با هم به وسیله عاملی پیوند می‌خورند که آن عامل باید مورد مطالعه قرار گیرد. پیدایش جامعه به این است که انسان فردی که تنازع بقای فردی دارد، تبدیل شود به واحدی از یک موجود زنده بزرگ‌تر به نام جامعه. اگر سخن از انسجام اسلامی می‌شود به این معناست که ملت‌های منطقه اسلامی می‌بایست پیوندهای خود را چنان محکم و استوار کنند که راه نفوذ دشمن بسته شود اگر شخصی با شخص دیگر در اندیشه و تفکر مشترک شد گفته می‌شود که آنها را و انظار آن دو با یکدیگر منسجم است هر چند تفاوت‌های نامحسوسی نیز دیده می‌شود، این تفاوتها در آن حد و اندازه نیست که بتواند دوگانگی میان آن را بنمایاند. گونه‌ای که از یگانگی در میان دو چیز منسجم یافت می‌شود به گونه‌ای که جدایی میان آن دو کاری سخت و دشوار و غیر ممکن است. ملت‌های اسلامی می‌بایست برای رسیدن به انسجام تلاش کنند. این وظیفه‌ای است که دین اسلام و قرآن برگردن ایشان نهاده است. با آن که روشها و فرهنگ‌های هر ملتی در یک سرزمین و کشور با سرزمین و کشور دیگر متفاوت است ولی به جهت مشترکات کلان فرهنگی و هدفی می‌توانند و باید از انسجام برخوردار باشند. امت اسلامی که ترکیبی از ملت‌ها و نژادها و خرده فرهنگ‌ها و تجربیات متعدد و متنوع است. از انسجام و صبغه‌ای برخوردار هستند که آنان را با یکدیگر یگانه می‌سازد.

این همان چیزی است که در قرآن از آن به صبغه الله و رنگ الهی یاد شده است. انسان فطرتاً خدا پرست است. فطرت الهی او را در مسیر تسلیم شدن در برابر حق به حرکت در می آورد و جامعه اسلامی با مایه بندگی خدا به وجود می آید، که در این مایه بندگی هم عدالت و هم مساوات وجود دارد و همین ارتباط با خدا عمیق ترین رابطه درونی انسان است. خدا به عنوان مایه اجتماعی در جامعه اسلامی است، لا اله الا الله مایه وحدت می شود و ارتباط و با خدا موجب انسجام می گردد، و در نتیجه مردم به هم نزدیک می شدند و انسجام اسلامی شکل می پذیرد. براساس تعالیم اسلامی آن چه ما به آن فراخوانده شده ایم در انسجام اسلامی است (یوسفوند، حمیدیان، ۱۳۸۶).

وحدت دستور الهی

اسلام دستور داده است و فرموده است: «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» همه باهم، تمام اقشار باهم اعتصام به حبل الله، و با توجه به خدای بزرگ همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است. ما همه باید باهم باشیم، نیروی ما همه باید واحد باشد، نیروی دریایی، نیروی هوایی، نیروی زمینی، ملت همه از هم هستند، قوای انتظامی با قوای ملی یک قوت است، همه باید معتصم به حبل الله باشند، با اعتصام به حبل الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد» (خالقی، سربازان، ۱۳۸۶).

راهکاره ی اساسی وحدت اسلامی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدضله العالی) امام خمینی یکی از راهکارهای اساسی وحدت اسلامی را «ایجاد حکومت اسلامی» میدانست. ایشان برای تحقق این راهکار دست به دامن و آستان حاکمان هم عصر خود نگردید، بلکه در یک حرکت استثنایی و بینظیر، حکومت غیر اسلامی، ظالم و غاصب دوران خودش را سرنگون ساخت و به دست خود حکومت اسلامی تأسیس نمود. از دیدگاه مقام معظم رهبری نیز ترقی و تعالی دنیای اسلام جز با انسجام اسلامی امکانپذیر نمیباشد. ایشان در مقاطع مختلف و به طور مکرر بر وحدت میان آحاد جامعه و به خصوص میان مسئولان که الگوی مردم هستند تأکید نموده و آن را تنها راه مقابله با تهدیدهای سنگین دشمنان معرفی نمودهاند.

مقام معظم رهبری یکی از دستورات مهم قرآن خطاب به مسلمانان را حفظ اتحاد و یکپارچگی دانستند و تأکید دارند که امروز هر حنجره و زبانی که مسلمانان را به وحدت دعوت کند، حنجره الهی است و هر حنجره و زبانی که مسلمانان و مذاهب اسلامی را به دشمنی با یکدیگر تحریک کند، زبان شیطان است.

مقام معظم رهبری بر این باورند که یکی از خطابه‌های قرآنی به مسلمانان، اتحاد حول ریسمان الهی و متفرق نشدن است که درمقابل آن، آموزش و روش استعماری قرار دارد که ایجاد اختلاف میان امت اسلامی و تشدید تعصبات مذهبی، دستور کار آن است.

انسجام و وحدت جمعی، مهمترین مسئله امت اسلامی است. استعمارگران، پی به اهمیت آن برده و در سده‌های اخیر، درصدد شکستن آن برآمده و بهره های ظالمانه فراوانی برده اند. در سایه اسلام و به برکت تعالیم اسلامی است که ابعاد و عوامل اخلاقی و اجتماعی وحدت مسلمانان، عمق و استحکام مییابد (ابوترابی، ۱۳۹۷).

مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای فرمودند:

انسجام اسلامی یعنی ملت های مسلمان با هم همراه باشند، وقتی این همراهی، یکپارچگی و هم آهنگی به وجود آمد، افراد به جایی می رسند که حیات خود را سپر بالای بقای جامعه می کنند و تنازع بقای فردی در تنازع بقای اجتماعی حی می گردد و هیچ قدرتی قادر به شکستن این جامعه اسلامی نیست.

مقام معظم رهبری فرمودند: انسجام اسلامی در یک وجه، خود ناظر به هم دنیای اسلامی است باید با هم منسجم باشند، باید به یکدیگر کمک کنند، هم دولت های اسلامی و هم ملت های اسلامی در استفاده از ظرفیت های اسلامی اتحاد ملی و انسجام اسلامی باید بکوشند (یوسفوند، حمیدیان، ۱۳۸۶).

نتیجه: با بررسی موعود باوری و امت واحده در قرآن و منابع روایی، به نکات جالبی دست می یابیم که در حقیقت، ارتباط تنگاتنگ این دو واژه را نسبت به همدیگر نشان میدهد. در این پژوهش، این نتیجه حاصل میشود که باور به فرهنگ مهدویت، زمینه را برای تشکیل امت واحده

اسلامی فراهم میکند و عوامل تفرقه و نفاق را ریشه کن میسازد. برای رسیدن به این نتیجه، نخست، درباره مهدویت و وحدت اسلامی با نگاه قرآنی و روایی، پژوهش شده و با استفاده از آیات قرآنی و نتایج ثمربخش آن و در ادامه، بررسی روایات معصومین (ع) و تطبیق آن با آیات قرآنی، در مجموع این ادعا به مرحله اثبات رسیده است که توجه به وحدت و رعایت نکات لازم باعث بسترسازی برای تشکیل امت واحده اسلامی میشود. به طور کلی، تمسک به قرآن و عترت بر اساس فرمایش گهربار رسول مکرّم اسلام (ص) و الهام گرفتن از دستوره های قرآنی و روایی برای تحقق امت واحده با فرهنگ سازی مهدویت میتواند ما را در رسیدن به وحدت یاریگر

باشد (جدیدبناب، ۱۳۹۴). باید همه مذاهب اسلامی در پرتو قرآن و بر اساس سنت و سیره نبوی و اهل بیت (ع)، برنامه ریزی کرده و گام به سوی جلو بردارند، تا زمینه جامعه متحد و منسجم جهانی به رهبری حضرت مهدی (عج) فراهم آید.

جامعه مهدوی، در سایه اتحاد امت اسلامی با مؤلفه های قرآنی عدالت، مهرورزی، تعاون و همدلی محقق خواهد شد، بدین ترتیب، جامعه جهانی واحد و تکامل یافته ای به رهبری حضرت مهدی (عج) تشکیل خواهد شد که در آن، همه ارزشهای امکانی و بالقوه انسانیت، به فعلیت میرسد و انسان، به کمال و سعادت واقعی خویش دست خواهد یافت. از این رو رسالت همه مذاهب و فرق اسلامی، برنامه ریزی و گام برداشتن در جهت تحقق جامعه ای متحد و منسجم طبق اهداف نبوی (صلی الله) و بر مبنای قرآن و سیره معصومان (ع) می باشد که همان رسیدن به ظهور و جامعه مهدوی است (علی اکبری، ۱۳۹۲).

منابع

- ۱- حسینی، مرضیه السادات. موسوی، مریم السادات. (۱۳۹۹). ظهور منجی، باور مشترک ادیان و مکاتب. موعودپژوهی، دوره دوم، شماره سوم: 1/2/5 تا 11/7 تا 16
- ۲- محمدی، شریفه. ذریه، محمدجواد. (۱۴۰۰). موعودباوری به مثابه مبنایی جهان شمول در شکل گیری تمدن اسلامی) ارمنظر قرآن و کتب مقدس (. قرآن، فرهنگ و تمدن، دوره دوم، شماره یک: 49/46
- ۳- جدیدبناب، علی. (۱۳۹۵). نقش انتظار در تحقق امت واحده. فصل نامه علمی-ترویجی پژوهش های مهدوی، سال چهارم، شماره چهاردهم: 1 تا 10/4 تا 18/15
- ۴- صادق زاده، هادی. (۱۳۹۸). کارکردهای دیپلماسی فرهنگی حج در ایجاد وحدت و انسجام مسلمانان. فصل نامه علمی-ترویجی میقات حج، سال بیست و هشتم، شماره صد و دهم: 109
- ۵- علی اکبری، راضیه. (۱۳۹۲). آینده پژوهی در پرتو انتظار پویا با تاکید بر کارکرد وحدت امت اسلامی. فصل نامه علمی-ترویجی انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره چهارم: 1/5 تا 7/10 تا 19/11
- ۶- امیرنژاد، قنبر. محسن نسب، محمد حسن. (۱۳۸۶). نقش اعتقاد به مهدویت در اتحاد ملی و انسجام اسلامی. همایش منطقه ای اتحاد و انسجام اسلامی در آموزه های قرآنی. 2/3/7 تا 9
- ۷- حبیبی نژاد، رضا. حیاتی، فاطمه. (۱۳۹۵). انتظار ظهور منجی آخرالزمان در ادیان الهی (زردتشت، یهود، مسیحی). فصل نامه پارسه، سال شانزدهم، شماره بیست و هفتم: 2
- ۸- ابوترابی، سیده خدیجه (۱۳۹۷). وحدت و اتحاد، تکامل مادی و معنوی امت های اسلامی. جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری 2 تا 4
- ۹- یوسفوند، حسن رضا. حمیدیان، اکرم (۱۳۸۶). سنجش مهم ترین عوامل موثر بر وحدت و انسجام اسلامی. همایش منطقه ای اتحاد و انسجام اسلامی در آموزه های قرآنی. 1/2/6 تا 8
- ۱۰- خالقی، یگانه. سربازان، شهین (۱۳۸۶). وحدت ملی و انسجام اسلامی از منظر خمینی (ره). همایش منطقه ای اتحاد و انسجام اسلامی در آموزه های قرآنی. ۴